

باب سی و هفتم - در تحقیق داستان عزیز و ذو القرنین

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت عبدالبهاء - مائده آسمانی، جلد ۲، صفحه ۴۲ - ۴۳

باب سی و هفتم - در تحقیق داستان عزیز و ذو القرنین

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح جناب نوش آبادی فرموده‌اند:

"..... مسئله عزیز علیه السلام حقیقتش اینست که مقصود ملت حضرت موسی بود که بهجوم بخت النصر اسیر و ذلیل شده بودند و از ارض مقدّس هفتاد هزار نفر بابل اسیر برده بودند این ملت صد سال مرده و مضمحل شده بود حضرت عزیز از این واقعه محزون و مکدر لهذا بشارت باو رسید که این ملت دوباره جان گیرد چنانکه واقع شد و اما حضرت خضر حقیقت موسی بود نه شخص دیگر بحکم حقیقت احکامی صادر میشد که عقول بشریت از ادراک آن عاجز بود زیرا خارق العاده بود مقصود از این قضیه اینست که مظاهر مقدّسه الهیه یفعل ما یشاء و یحکم ما یریدند آنچه بفرمایند باید اطاعت نمود و ابداً شک و شبهه بخاطر نیاورد که این حکم بظاهر موافق عدل و انصاف هست یا نیست این ذهول فکری منتهی بعصیان و طغیان گردد اینست حقیقت مسئله که باین عنوان بیان شده . و اما آیات در خصوص ذو القرنین از آیات متشابهات است تأویل دارد معترضین این حکایت را دام تزویر نمودند و سؤال کردند که شاید جواب مخالف آراء آنان صادر شود و این سبب تزلزل اهل ایمان گردد لهذا قضیه ذو القرنین بحسب ظاهر موافق آراء سایرین نازل شد تا اعتراض نتوانند ولی در هر کلمه رمزی مقصد از ذو القرنین حضرت امیر بود که بقلب سیر و سیاحت در جمیع آفاق نمود و تحرّی مظهر کلی کرد ملاحظه فرمود که شمس حقیقت در قالب ترابی و مائی پنهانست " انتهی



ORIGINAL